

دیدگاه‌ها

درکِ نادرست از استقلال، توسعه و سواد در افغانستان

ساده دلی مزمن و عدم بصیرت گرداننده گان قدرت سیاسی افغان پیشینه تاریخی دارد



خلیل الله عالم متخصص برق

ما در عصری زندگی میکنیم که میزان عقل، هوش، سواد و استقلال به اندازه مصرف انرژی، تولید ناخالص و ظرفیت یک ملت محاسبه می شود شاید هم برای بعضی خنده دار باشد ولی این یک واقعیت تلخ و نا باور کردنی است که در کشوری مانند افغانستان که نه تولید انرژی نه متخصص برق، نه متخصص راه آهن، نه متخصص مخابرات نه هم یک دانشگاه صنعتی که حداقل به آینده امیدوار باشیم که این متخصصین ما در آن تربیه شوند و افغانی هم تربیه شوند نداریم این ها همه را ما وارد میکنیم مگر این ما نبودیم که میلیون ها انسان در این سرزمین را به شهادت رساندیم و فدا کردیم برای این که به خارجی ها وابسته نباشیم ولی این طور معلوم می شود که ما قرنهای دیگر وابسته خواهیم بود شعار های استقلال طلبی وطن دوستی حالا به ابزار فشار و امتیاز گیری شخصی تبدیل شده است.

شاید دردناکترین جمله و بغرنجترین نکته این باشد که عرض میشود در دنیای مادی امروز که ما زندگی

داریم کرامت انسانی، علمی، ظرفیت، سواد و استقلال هر ملت به رشد علمی و اندازه تولید در سرزمین آن مقایسه می شود حالا شما قضاوت کنید که اگر اصل این باشد که است ما در کجای استقلال و ظرفیت قرار داریم؟ این هم درست است که برای کشوری مانند افغانستان در همه عرصه ها کار آسانی نیست که به خود کفائی برسد باید کم و بیش در عرصه های اقتصادی یا هم نظامی مانند هر کشور دیگر داد و گرفتی داشته باشد ولی این درست نیست که تمامی شاهرگ های اقتصادی مانند انرژی و تربیه متخصصین در عرصه های یاد شده ما همه خارجی باشد و یا وارداتی باشد و ما هم صحبت از استقلال کنیم اگر راه حل این است پس این همه قربانی برای خارجی ستیزی برای چی بوده است و هر روز درخواست از خارجی ها برای احترام مردم افغانستان برای چی است؟ احترام و استقلالیت زمینه های دارد که در ادامه عرض میدارم. ما باید چه کاری بکنیم که در ردیف کم عقل کشورهای جهان قرار نگیریم یعنی کشوری پسمانده و لاغر نباشیم یک استقلال نسبی هم داشته باشیم پس اول باید یک تعریف کوچکی از سواد و ظرفیت داشته باشیم بعد تعریفی که چرا انرژی مساوی به عقل تعریف شده است را معرفی کنیم که البته تکنولوژی هم شامل آن می شود بعد تعریف همه جانبه ای از سواد، ظرفیت و استقلال داشته باشیم اگر چه سالها است که این تعریف در کشورهای پیشرفته جهان صورت گرفته است ولی مسوولین ما برای فرار از واقعیت ها شانه خالی کردند از مسوولیت و شاید هم سرپوشی بر ناتوانی های شان باشد همان تعریف کهنه قدیمی و ناکار آمد همیشه گی را بیان میکنند.

ز نظر من که این همه یک تعریف و یک معنی دارد یعنی داشتن سواد، ظرفیت و استقلال که هیچ کسی نمیتواند مقوله جدا از هم بداند یا تعریف کند البته که میزان ظرفیت است که میزان سواد و استقلال شخص یا هم کشور را مشخص و تعیین میکند نه چیزی دیگر.

البته که در دنیای که ما زندگی میکنیم امروزه تعریف اکادمیک هم است که بیشتر قابل قبول مردم جهان است. این تعریف شکل دیگری را به خود میگیرد که برای مسوولین آموزش و پرورش کشور ما یعنی افغانستان هولناک و ناباور کردنی میباشد و او این است که سواد امروزی در جهان میزان ظرفیت تولید ناخالص اندازه صادرات میزان مصرف انرژی برق گاز اشتغال دسترسی به بهداشت هر کشوری میباشد نه تعریفی که مقامات آموزش و پرورش کشور ما میدانند یعنی فقط خواندن و نوشتن.

چون خواندن و نوشتن به تنهایی خود امروزه سواد شده نمیتواند اگر چه الزامی میباشد میتواند یک نمره ی از سواد باشد اگر سواد امروزی را ده نمره حساب کنید یا هم ده نمره بدهید یک نمره آن خواندن و نوشتن است یک نمره دیگر آن ظرفیت است بعدی آن دسترسی به بهداشت است که البته همه میدانیم که بهداشت شامل چی چیزهای می شود نمره بعدی آن داشتن تخصص در یک رشته که اکادمیک و مطابق به دانش روز باشد نه افتخاری یا تقلبی نمره بعدی آن دسترسی به کمپیوتر دسترسی به انرژی پاک و دایمی و رسانه های تصویری نوشتاری و . . . نمره ی بعدی آن توانائی فیزیکی و شجاعت کاری است.

چون دیگر هیچ شغل، مسلک یا رشته ای در جهان وجود ندارد که بدون انرژی برق مآثر و یا کار آمد باشد اگر چه ما در نوشتن و خواندن هم در پائین ترین لیست منطقه ی دنیا قرار داریم که اگر این ارزیابی را هم به آن اضافه کنیم که میزان تولید ظرفیت یا مصرف انرژی را هم قبول کنیم پس جایگاه ما برای همیشه در پائین ترین خواهد بود و این عقب مانی افتخار همیشه گی وزارت آموزش و پرورش کشور ما افغانستان باقی خواهد ماند.

سوال من از مقامات محترم کشور عزیز ما افغانستان هم از اقتصاد دانان و هم از سیاسیون و هم از دلسوزان این مرز و بوم این است که چرا آرزوی زحمتکشان را برآورده نمیکنید چرا نام خود را به عنوان شهیدان سازندگی و خود کفائی ثبت تاریخ نمیکنید؟ ما یک کشوری که به ۴۰ هزار مگاوات برق ضرورت داریم چی برنامه برای تأمین آن دارید چند هزار مگاوات از این انرژی نیاز کشور در داخل کشور تولید میشود و چندی باقی مانده را از خارج وارد میکنید طی چند سال آینده ما به این آرزوی خود میرسیم چون کل تولید انرژی برق افغانستان به صد مگاوات نمیرسد و کل واردات برق افغانستان از خارج در حدود ۵۰۰ مگاوات بیشتر نیست سؤال بعدی من این است کی شبکه توزیع گاز از طریق لوله به شهرهای بزرگ افغانستان شروع می شود؟ و کی به پایان خود میرسد چون یک قرن است که در جهان از این روش استفاده میشود برنامه شما چیست و کی عملی می شود؟ این سوالاتی است که هر افغان میخواهد جواب آن را بشنود؟

و سوال دیگر من این است ما دست کم به ۸ هزار کیلو متر راه آهن نیاز داریم تا بتوانیم کشوری ترانزیتی باشیم به شعار دادن ما به این آرزوی بزرگ نمیرسیم چون این راه آهن نمیشود آن را وارداتی کرد باید مانند سرک ها در داخل ساخته شود تا بتوانید شمال کشور را به جنوب غرب را به شرق وصل کنید و دارای یک خط حلقوی باشد تا که درجه خطرات آن به کمترین حد ممکن برسد و تا بشود معدن های کشور که در هر جای از کشور باشد به آسانی استخراج کرد و بتوانیم رقیب خوبی و سالم در منطقه باشیم اگر ما این توانائی را داشته باشیم از یک ارتش مجهز هم مؤثر تر عمل خواهد کرد دشمنان ما را به دوست تبدیل خواهد کرد برنامه شما چیست؟ دهسال می شود که ما دوصد کیلومتر از آن را زیر کار داریم هنوز تمام نشده است چند سال دیگر طول خواهد کشید که ۷۸۰۰ کیلومتر باقی مانده آن تمام و این آرزوی ما برآورده شود؟ این هم یکی از سوالاتی مهم مردم افغانستان است حب وطن دوستی و پشتکار خود را ثابت کنید ملای بی عمل نباشید از خود باید شروع کرد بعد وطن دوستی را شامل درس کودکان کرد باید اول افتخارات پیشرف نو آوری خود را به عنوان نمونه به کودکان نشان داد بعد آن هارا تشویق کرد که آن ها هم در آینده چنین کنند. این آرزو ها در سخن رانی تأمین نمیشود این ها برنامه میخواهد.

چون هرکشوری برای خودیک برنامه دارد

برای مثال که ظرف ۵ تا ۱۰ سال برنامه ریزی میکنید که تابتونید فاصله مردم خود را از مردم جهان کم کنید البته این کار آسانی نیست انسان های بزرگ توانا و آهنینی میخواهد شانه های پولادین و ایمان محکم،

تعهد دوامدار را می‌طلبد توانائی، تخصص و برنامه ریزی دراز مدت می‌خواهد فداکاری می‌خواهد شهادت می‌خواهد جهاد می‌خواهد زیرکی می‌خواهد به این راحتی نیست. چون تغییرات و تحولات بزرگ تکنیکی، اقتصادی و اجتماعی در جهان به وقوع پیوسته و داریم در حال رشد تغییر می‌باشد این تغییرات در حدی است که حتی در عقلانی کردن بشر امروزی در ساختار سیاسی و عبادی حتی طرز دید مردم تاثیرات ناباور کردنی داشته است.

بلی، این همه تغییرات بسیار سریع پیش آمده سریعتر از آنچه که تصور می‌گردید انقلاب بزرگی رخ داده است انقلابی که ما بشدت از آن عقب مانده ایم این انقلاب پیشرفت، انرژی برق، تخصص و دیجیتالی است که واقعاً جهان بشریت را غافلگیر نموده است و سهم مردم افغانستان از این انقلاب و پیشرفت و تغییر مثبت و آسایش چی قدر میباشد؟

که مهم ترین آن انرژی برق است این انرژی حیاتی شده است آن را بومی بسازید در این جا مرگ و زندگی مطرح است آینده ملتی مطرح است ملتی که همه چیزه خود را فدا کرده اند برای اینکه وابسته گی نداشته باشند آرزوی شهدای این سرزمین را برآورده کنید هم در آموزش و پرورش و هم در تولید انرژی مورد نیاز و هم در تربیه متخصصین در رشته های مهم، ما از قافله ی پیشرفت جهان و منطقه به شدت عقب مانده ایم همه چیز را وارد میکنیم ما از جهان عقب مانده ایم این را جدی بگیرید جهان امروزی خیلی فرق کرده است دیگر در جهان بحث عاطفه نیست بحث ها بحث توانائی است در تمامی عصرهای گوناگون که اصلی ترین آن انرژی برق و آموزش و پرورش است.

جهان دارد دگرگون میشود این دگرگونی مستلزم قوانین و روابط متناسب، دانش تخصص و توانائی بخود است ما نباید مانند گذشته قربانی جنگ سرد جنگ فقر جنگ بی عدالتی جنگ کمونیزم جنگ کاپیتالیزم جنگ تروریسم و شاید هم فردا جنگ انرژی شویم دیگر بس است خود را آماده کنید که بار دوش دیگران نباشیم چون زندگی امروزی زندگی مشترک است در زندگی مشترک نمیشود که بار دوش دیگران بود باید سهم نسبتاً مساوی داشت چون این جنگ عاطفه نیست جنگ امکانات، ظرفیت، تخصص، توانائی و سواد واقعی است.

اگر ما برق نداشته باشیم متخصص ورزیده نداشته باشیم که این شاهرگ حیاتی را نمیشود با خرید در درازمدت حل کرد ما نمیتوانیم که با برق دیگران با متخصص دیگران تولید، صنعت، مخابرات، تلویزیون، بانکداری، و . . . را فعال و رقابتی کنیم این نه تنها درد را دوا نمیکند بلکه، بمعنی ماندن در خود و پیچیدن بدور خود است ولی این که با درك درست و آگاهانه، توانائی خویش با داشتن تخصص داخلی را با معیار های مثبت زمان عیار نماییم در این پروسه که جهان را متحول ساخته آگاهانه سهم گیریم نه اینکه این جریان سریع تحولات، سیل آسا ما آن را بگونه قربانی قبول کنیم که باز هم بازنده جنگ دیگر باشیم این بار قربانی ناهمی خود باشیم.

جهان در حال دگرگونی که در برگیرنده هرگونه تغییرات در ساختار نهاد یا سازمان اجتماعی است. از این رو شیوه های زندگی و نهادهای اجتماعی جهان امروزی با شیوه های زندگی و نهادهای گذشته نه چندان دور بشر، تفاوت اساسی یافته است. لذا در نیم قرن اخیر ما شاهد یک نوع چرخش سریع و تند از انواع دگرگونی در نظم و ساختار اجتماعی و اقتصادی هستیم که مردم، هزاران سال در آن می زیسته اند گرچه دگرگونی اجتماعی خصیصه همه جوامع است، اما منشأ اصلی دگرگونی اجتماعی، شامل تکنولوژی جدید و مدیون انرژی برق و محیط طبیعی، تغییرات جمعیتی میباشد که با تاسف باید گفت که نه تنها ما در این عرصه انرژی مصرفی خود را نداریم بلکه قانونی هم نداریم بلکه در بعضی وقت قربانی آن هم هستیم.

عوامل تکنولوژی و نوآوری در دگرگونی اجتماعی و فرهنگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا با ظهور پدیده های جدید در عرصه زندگی اجتماعی افراد جامعه، یک نوع جایگزینی برای تکنولوژی که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است صورت می گیرد که با خود دگرگونی های را در جامعه به ارمغان می آورند. عوامل تکنولوژی و نوآوری زمانی می تواند در دگرگونی مثبت اجتماعی مؤثر باشند که حد اکثر افراد يك جامعه در خلق تکنولوژی و نوآوری و پذیرش پدیده های نو ظهور نقش داشته باشند و آن را مورد پذیرش خود قرار دهند. البته این انگیزه بیشتر جنبه روانی دارد زیرا افراد معمولاً تنوع طلب و کنجکاو هستند.

برخی از جوامع بسیار سریع تر از جوامع دیگر تغییر می کنند. آهنگ دگرگونی یکی از الگوهای اجتماعی موجود و بخشی جدائی ناپذیر از جامعه است. ممکن است رویدادها یا اعمال فردی آهنگ دگرگونی را برای مدت کوتاه کرد یا به آن شتاب دهد؛ اما در درازمدت این میزان، پیش بینی پذیر است که ما در افغانستان با تاسف در آن ناکام بودیم که همیشه این تقصیرات بر ما تحمیل شده است و ما بیشتر وقت خود را با مبارزه به آن صرف میکنیم و در نهایت آن را قبول میکنیم بارها در کشور ما اتفاق افتاده است هر بار هم بعد از شکست کامل در برابر پدیده اجتماعی و پرداخت هزینه سرسام آور آن را قبول میکنیم آن وقت نه خود ما توانائی تولید آن پدیده را داریم نه هم تخصص آن را داریم آنگاه مجبور به وابسته بودن افتخار میکنیم آن را یک دست آورد میدانیم.

فن آوری است که امکان انتخاب، برنامه ریزی و مواجهه آگاهانه و مدبرانه آنها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم می سازد. در واقع آینده پژوهی در صدد ایجاد دوراندیشی و آینده شناسی در سطوح مختلف زندگی بشری است تا ضمن بیان اهمیت و ضرورت توجه به رویدادها و تحولات فراروی جهان، توانایی برخورد سنجیده و مناسب با آنها را فراهم سازد.

با توجه به نقش محوری دولت در تدوین و اجرای برنامه های توسعه در کشور و ضرورت رشد شتابان کشور و همنا شدن با تغییر و تحولات روز افزون فناوری تولید انرژی برق برای دستیابی به سهم بیشتری از این انقلاب که هرگز از آن چیزی نصیب ما نشده است یعنی انرژی برق تخصص داخلی و نرم افزاری،

توسعه کار آفرینی را به امری اجتناب ناپذیر برای کشور افغانستان بدل ساخته است. زیرا بر اساس پژوهشهای موسسات تحقیقاتی دنیا سطح سواد و ظرفیت کارآفرینی را با سطح توسعه یافتگی و استقلال برابر می دانند و رابطه مستقیمی بین رشد ناخالص داخلی و بستر سازیها و حمایتهای دولتها از کارآفرینان دست یافته اند.

به آرزوی برآورده شدن این خواسته ها در این سرزمین زیبا و کهن افغانستان!

بااحترام،

خلیل الله عالم متخصص برق

تاریخ ارسال به «اصالت»:

شنبه، ۶ نومبر ۲۰۱۰ ۱۴:۱۹